

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۲

عنوان: جایگاه زبان فارسی در هنر و معماری

سخنرانان و اعضای پیل: آقای دکتر محمدمنصور فلامکی، آقای دکتر علی طاهری، آقای دکتر جهانگیر درویش،

آقای دکتر شاهین فرهنگ و آقای دکتر محمدمهدی محمودی

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها به شرح زیر می‌باشد.

سخنران اول آقای دکتر محمدمنصور فلامکی، وی سخنرانی خود را با بیان این مطلب که ذات معماری، فضای معماری است آغاز کرد و افزود فضای معماری غیر قابل لمس است، از دید کالبدی وجود نداشته و باید تعریف شود. بنابراین اگر بخواهیم از معماری سخن بگوییم، قاعدتا باید از فضای معماری هم سخن بگوییم و بتوانیم تعریفی برای فضا یافته و معماری را به صورت چشمی انتقال دهیم. دکتر فلامکی سه نکته برای نشان دادن اینکه معماری وجود خارجی ندارد را مقیاس، فاصله و زاویه دید دانسته و اینگونه ادامه داد، هنگام مشاهده یک بنا در واقع حقیقت بنا را دیده و آن را به ذهن دیگر افراد منتقل می‌کنیم. برای شناخت معماری نیز در طول این روند حرکت می‌کنیم. معماری جسم شناخته شده‌ای، خوشایند یا ناخوشایند است. ناخوشایند بودن سبب عملکرد خنثی می‌شود حال آنکه اگر قرار بر نظر دادن باشد، لازم است از فضای درونی، تعلیمات و سلیقه‌هایمان برگشته سپس نظر بدهیم.



دکتر فلامکی در ادامه به حواس بیرونی و درونی پرداخت و گفت حواس پنجگانه، پنج حس برون هستند که ابزار برداشت بوده و قادر به درک مفاهیم نیستند. در مقابل پنج حس برون، پنج حس درونی حافظه، ابهام، ابهام، خیال و حس مشترک وجود دارند که دریافت‌های حواس برون را بر ذات آدمیزاد می‌نشانند. اگر کسی توانست آنچه با پنج حس برون دریافت کرده با پنج حس درون نیز درک کند، آن زمان می‌توان گفت که آن را فهمیده است.

معماری فضای درونی یک معمار را با جهان بینی او ترکیب و از همه ابزارهای موجود که بار تکنولوژیک دارد استفاده کرده تا مطلبی که در دل دارد را عنوان کند. در واقع معماری ترکیبی است از فضای درونی و برونی یک معمار که قادر است این دو را از طریق تکنولوژی یگانه سازد.

سخنران دوم آقای دکتر علی طاهری، وی سخنرانی خود را با بیان این مطلب که زبان خانه هستی است آغاز کرد. رابطه استواری بین هستی شناسی و زبان وجود دارد زیرا زبان خانه هستی است. زبان بعنوان مهمترین وسیله ارتباطی حامل اندیشه بوده و هر عملی به واسطه زبان انجام می شود. طی دو دهه آخر سده بیستم زبان بعنوان عنصر ارتباطی شأن والایی در اندیشه، فلسفه و جامعه شناسی پیدا کرده است. اندیشمندان بر آن شدند که به جای تاکید بر سوژه بر من تعاملی متمرکز شوند. در این رهیافت برداشت و ارتباط افراد مقدم بر خود افراد است.

یکی از زبان های اساسی در تعامل اندیشه زبان هنری است. زبان یک عنصر فرهنگی محسوب می شود و دستاوردها و تجارب بشری را از نسلی به نسل دیگر و از جامعه ای به جامعه دیگر منتقل می کند. با وجود تهاجمات زیادی که به ایران شد از جانب اعراب، ترک ها و دیگر ممالک زبان فارسی تغییر نکرد و همچنان پایدار ماند. عامل مقاومت و پایداری زبان و فرهنگ ایران چه بوده است؟ عوامل متعددی دخل و تصرف دارد. از علل ماندگاری زبان فارسی می توان این موارد را عنوان کرد: ۱- اعراب مسلمان موفق به تثبیت خود به همه ی مناطق ایران برای مدت طولانی نشدند، ۲- سلسله های متعددی که بعد از اسلام بوجود آمدند تحت نفوذ و مدیریت کارگزاران ایرانی بودند، ۳- درباریان حاکم بر ایران نه تنها در محو زبان فارسی تلاشی نکردند بلکه در رشد و رونق آن اهتمام ورزیدند، ۴- شاعران و عارفان در پایداری و تداوم زبان فارسی نقش بسیار مهمی ایفا کردند. دلیل دیگر می تواند خود زبان فارسی باشد، آهنگین بودن این زبان آن را شاعرانه کرده است.

زبان و ادبیات یکی نیستند، و به همان اندازه که در بیان احساسات، عواطف درونی و اندیشه اهمیت دارند در سیاست، جامعه و فرهنگ نیز مهم هستند. از دو جزء ادبیات و زبان، ادبیات بیشتر در جنبه اول و زبان در جنبه دوم مهم است.

زبان شعر منادی زبان فارسی در نقاط مختلف جهان بوده است. از موارد دیگری که نقش اساسی در توسعه و گسترش زبان فارسی داشته عرفان و تصوف است.

انعکاس معماری ایران در ادبیات فارسی را در آثار بسیاری از شاعران و نویسندگان می توان دید، از جمله: هفت پیکر نظامی، آثار عطار و حافظ، بدایع الوقایع واثق هروی، مثنوی آیین اسکندری نوشته عبدی بیک شیرازی، داستان های عامه پسند مثل امیرارسلان نامدار که تصویر شهر قاجاری را نشان می دهد، حسین کرد شبستری، اسکنر نامه سمک عیار و ...